

## نگرشی بر تمدن نوین اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای (مد عزه) و حضرت آیت‌الله جوادی آملی (دامت افاضاته)

محمد جواد حیدری خراسانی\*، جواد جوان\*\*

دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۱۹

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۹/۰۷

### چکیده

انقلاب اسلامی امتداد بخش انقلاب اسلام ناب، معجزه‌ای الهی در قرن معاصر بود که امیدی بر استقرار حاکمیت الهی از طریق عزت‌بخشی به مظلومان در جهان و نابودی ظالمان شد و خواهد بود ان‌شاءالله. آرمان و والاترین هدف این انقلاب اسلام ناب، ایجاد تمدن نوین اسلامی برای طلوع خورشید ولایت عظمی ارواحنا فدا است که در آستانه‌ی گام دوم انقلاب، توسط راهبر آن، رهبر معظم انقلاب اسلامی تکرار مکرر شده و بار آن بر دوش جوانان ایمانی گذاشته شد. تحقق مأموریت تمدن اسلامی نیاز به بازشناسی مفاهیم، مراحل و راه‌های رسیدن به آن داشته و این نیازمند مجاهدت علمی، مطالعاتی است و چه بهتر آنکه شرح و بازشناسی مفاهیم این مأموریت از مرجع اسلام یعنی قرآن و بیان مفسرین انقلابی باشد. این نوشتار ضمن بررسی اجمالی مفهوم‌شناسی به بررسی زوایایی از تمدن اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله العظمی جوادی آملی پرداخته که تمدن را به‌عنوان پیشرفتی همه‌جانبه و تمدنی در تقابل تمدن مادی غرب معرفی نموده و به بررسی ارکان تمدن اسلامی پرداخته خواهد شد و نوع تحقیق حاضر تحلیلی و توصیفی با روش گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای و اسنادی می‌باشد.

**کلیدواژه‌ها:** تمدن نوین اسلامی؛ آیت‌الله خامنه‌ای؛ آیت‌الله العظمی جوادی آملی؛ انقلاب اسلامی؛ پیشرفت.

\* نویسنده مسئول: عضو هیات علمی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران

Mjheydari.kh@gmail.com

Alshia@chmail.ir

\*\* دانشجوی ارشد، رشته تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه قم، قم، ایران

## مقدمه

پس از اوج و افول تمدن‌ها در تاریخ بشریت، تاریخ عالم نطقه‌عطفی در تاریخچه خود به‌نام پیروزی انقلاب اسلامی، انقلابی در امتداد همان انقلابیت پیامبر خاتم‌الظهور یافته و بعد گذشت یک چله از آن در آستانه گام دوم انقلاب اسلامی از لسان و قلم ولی امر مسلمین آیت‌الله خامنه‌ای<sup>(دام‌عزه)</sup> دستور حرکت پرشتاب، به‌سوی آرمان‌غایی این انقلاب یعنی تمدن نوین اسلامی بر دوش خصوصاً جوانان مومن و انقلابی با صدور بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، گذاشته شد. پس لازم است نسبت به مبانی و زوایای تحقق این آرمان بزرگ انقلاب، مجاهدت علمی در خور آن هدف والا انجام بگیرد.

به دیگر سخن تمدن‌سازی جز با آگاهی بر راهبردها و مؤلفه‌های اسلام‌محور آن از قرآن که کلام آفریننده عالمیان است، امکان ندارد و نیز شرط تحقق تمدن نوین اسلامی، در گرو تبیین قرآن و ائمه، بنا به آیت شریفه «بَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ» (نساء/ ۵۹) و راهنمایی چشم‌بینای امامین انقلاب (به‌عنوان نرم‌افزار انقلاب اسلامی) از جمله رهبری معظم انقلاب و علمای صالح در امتداد ولایت اهل بیت. در عصر غیبت بنا بر توفیق شریف از امام عصر عج «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رِوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَأَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۳، ص ۱۸۰) و مأموریت و آرمان انقلاب اسلامی با تعریف زنجیره پنج‌گانه‌ی انقلاب اسلامی، نظام، دولت، جامعه برای رسیدن به غایت و آرمانش یعنی تشکیل تمدن نوین اسلامی که خود مقدمه‌ای برای طلوع خورشید ولایت عظمی<sup>(عج)</sup> است در حرکت خواهد بود.

تاکنون بررسی‌هایی بر موضوع تمدن‌سازی انجام شده است ولی برای تحقق آن نیاز به حرکت‌های بیشتری است و این نوشتار به بررسی برخی از دیدگاه‌های آیت‌الله خامنه‌ای و آیت‌الله جوادی آملی پرداخته می‌شود که با عناوین مشترک و تفسیری تطبیقی صورت گرفته است و تاکنون پیشینه‌ای نداشته است.

## ۱. مفهوم‌شناسی

### ۱-۱. تمدن در لغت:

برخی قرآن پژوهان بر این باورند که واژه «م د ن» به معنای سکونت و اقامت است و «مدینه» از آن انشقاق یافته است و لذا واژه تمدن از اصل عربی «مدینه» به معانی اقامت در شهر و شهرنشینی و خو گرفتن با اخلاق مردم به کار رفته (مصطفوی، ۱۳۶۸ ش، ج ۱۱، ص ۵۵) یا به همان معانی شهرنشینی و شهرگزینی ناظر بر بیرون آمدن انسان‌ها از حالت وحشی‌گری و خروج یک جامعه از حالت ابتدایی و یا اخلاق شهری پیدا کردن (دهخدا، ۱۳۷۷ ش؛ عمید ۱۳۷۱، ص ۶۱۵) و همچنین تمدن در عربی با واژه‌های المدنیة، الحضر، الحضارة و در لاتین با واژه ی سیویلیزاسیون<sup>۱</sup> منتقل می‌شود.

### ۲-۱. تمدن در اصطلاح:

#### الف) تمدن در اصطلاح دانشمندان علوم اجتماعی غربی:

تعریف لوکاس و توین بی که تمدن را نوعی خاص از فرهنگ در یک عصر خاص دانسته و آن را نتیجه‌ی نبوغ اقلیتی نوآور و مبتکر می‌داند (لوکاس، ۱۳۶۶ م، ص ۱۶؛ توین بی، ۱۳۷۶ م، ص ۴۸) یا تعریف دورانت که تمدن را نظامی اجتماعی تعریف کرده که خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر و جریان پیدا می‌کند (دورانت، ۱۳۶۵ م، ص ۵) و یا هانتینگتون که تمدن را بالاترین گروه فرهنگی و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به‌شمار می‌آورد (هانتینگتون، بی‌تا، ص ۴۷).

چهار نکته‌ای که لازم به اشاره است اینک:

اولاً اکثر تعاریف از تمدن در نگاه غربی الهام گرفته شده از «اومانیزم» یا انسان‌محوری غربی است و طبق عقیده‌ی آیت‌الله خامنه‌ای، اساساً با انسان‌محوری اسلامی، متفاوت است چون ایشان معتقد به نوعی انسان‌محوری اسلامی با برداشتی از آیه‌ی «الْم تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (لقمان/۲۰) هستند (در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۹/۲۰ ش) و دیگر اینکه فرمودند:

«کسی که قرآن و نهج‌البلاغه و آثار دینی را نگاه کند، این تلقی را به‌خوبی پیدا می‌کند که از

نظر اسلام، تمام این چرخ و فلک آفرینش، بر محور وجود انسان می‌چرخد. این شد انسان‌محوری. در آیات زیادی هست که خورشید مسخر شماست، ماه مسخر شماست، دریا مسخر شماست؛ اما دو آیه هم در قرآن هست که همین تعبیری را که گفتیم «سَخَّرَ لَكُمْ مِمَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمِمَّا فِي الْأَرْضِ» (جائیه/۱۳) همه این‌ها مسخر شماست تفاوت دارد و نشان‌دهنده مرزبندی اعتقادی اسلام ناب با جبهه غرب است» (در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۷۹/۹/۲۰ ش). ثانیاً در تعاریف غربی، برای تعریف تمدن، عموماً تکیه بر واژه‌ی فرهنگ است و حال آنکه در نگاه اسلام ناب، این دو واژه‌ی از هم مجزا و دارای معانی خاص خود هستند چنان‌چه اگر فرهنگ را مجموعه‌ی از عقاید فرد و جامعه و یا جلوه‌های زندگی مانند دین و هنر و هدف‌های اخلاقی بدانیم روشن خواهد شد که تمدن خود فرهنگ‌ساز است گرچه برخاسته از یک هسته فرهنگی اولیه می‌باشد و این تمدن است که آدمی برای تسلط بر شرایط زندگی خود پدید آورده و مانند یک نظام و سازمان کلان، قرار می‌گیرد.

ثالثاً در منظومه فکری اسلامی نباید دو واژه تمدن و فرهنگ به یک معنی انگاشته شوند چنان‌چه درباره تفکیک دو واژه‌ی تمدن و فرهنگ حضرت امام خمینی (ره) می‌فرمایند: «فرهنگ یک ملت در رأس تمدن واقع شده، فرهنگ باید فرهنگی موافق با تمدن باشد» (فوزی و صنم‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۲) و ایشان پیشرفت‌های صنعتی و اقتصادی در قالب آبادانی و تأسیس نهادها و ساخت ابزارهای جدید را مصادیقی از تمدن می‌دانند (همان).

رابعاً تعاریف غربی‌ها در لغت و اصطلاح تمدن عموماً با پیش‌فرض‌های فکری برآمده از مکتب و ایدئولوژی، تاثیر محیط، دید جانبدارانه و فشارهای حکام مطرح شده است چنان‌چه در مفهوم‌شناسی تمدن، غرب معتقد به انتقال از بدویت، جهالت و خشونت به اخلاق اهل شهر و نزدیکی به معرفت است پس طبیعتاً این رشد تمدن غرب باید اثرش دوری از خشونت و جهل باشد که اصلاً چنین چیزی در مصداق خارجی اتفاق نیفتاده است بلکه بشر می‌بیند هر چه بیشتر جلو رفته و تاریخ ورق می‌زنیم، به جهالتی برتر و مدرن، بیش از جهالت گذشتگان می‌رسیم با این تفاوت که پیشرفت صنعتی بیشتر شده و در عمل غرب، تمدن فراتر از پیشرفت صنعتی و مادی نیست و محصول تمدن مادی غرب، افزایش خشونت، زیادی در جهل و دوری از معنویات که بُعد اصلی انسانی است، بوده است.

**ب) تمدن در اصطلاح دانشمندان اسلامی:**

خواجه نصیرالدین طوسی و ابن‌خلدون که «تمدن را حالت اجتماعی شدن انسان می‌دانند» (ابن‌خلدون، ۱۳۵۹م، ص ۷۷) و در اصطلاح برتری در قلم فیلسوف جهان تشیع علامه جعفری ره چنین آمده است: «تمدن عبارت است از تشکل هماهنگ انسان‌ها در حیات معقول با روابط عالمانه و اشتراک همه‌ی افراد و گروه‌های جامعه در پیشبرد اهداف مادی و معنوی انسان‌ها در همه‌ی ابعاد مثبت» (جعفری، ۱۳۷۶ ش، ج ۵، ص ۱۶۱).

**۱-۳. تاریخچه کاربرد واژه‌ی تمدن:**

گرچه این واژه قدمتی طولانی دارد و مثلاً ابن‌خلدون با عناوینی هم‌چون «العمران» و «الحضاره» از آن یاد کرده‌اند اما به‌نظر می‌رسد این واژه در غرب قدمتی از قرن ۱۸ میلادی با تعاریفی عموماً مبتنی بر اومانیزم غربی شکل گرفته است (ولایتی، ۱۳۸۴ ش، ج ۱، ص ۲۵).

**۲. اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای درباره‌ی زوایایی از تمدن نوین اسلامی**

آسیاب همیشه بر محور خود می‌چرخد و محور معاصر انقلاب اسلامی، مقام معظم رهبری آیت‌الله خامنه‌ای، بنا به بیانیه‌ی فوق‌راهبردی گام دوم انقلاب اسلامی، جبهه انقلاب را برای هدف عالی آن یعنی «تمدن نوین اسلامی» هدف‌گذاری نموده و عزم‌های جوانان مؤمن و انقلابی را برمی‌انگیزاند. از دیرباز تمدن اسلامی مورد توجه بوده اما عنوان «تمدن نوین اسلامی» عنوانی برآمده از منظومه فکری ایشان و مصادیقی عینی و خارجی برای هدف ملت ایران و انقلاب اسلامی معرفی شده است (دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۷۷/۲/۲ ش) و با دارا بودن همه ویژگی‌های یک «تمدن اسلامی»، اما به‌عنوان پیشرفتی همه‌جانبه طرح شده است.

آیت‌الله خامنه‌ای بنا بر وعده‌ی خداوند در جانشین نمودن مستضعفان بر دنیا «و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ» (قصص / ۵) و وعده‌ی پیروزی حق بر باطل «و قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء / ۸۱) طلیعه‌ی تمدن نوین اسلامی را با پیروزی انقلاب اسلامی به‌عنوان نشانه‌هایی در تحقق این وعده‌ی بزرگ در راه می‌بینند که ایران را به پایگاه مستحکمی برای اندیشه‌ی حاکمیت و تمدن اسلامی تبدیل کرده و این نکته را تفسیری از آیت شریفه‌ی «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا

الصَّالِحَاتِ لِيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور / ۵۵؛ پیام به کنگره عظیم حج، ۱۷/۰۹/۱۳۸۷) که این نگاه تفسیری حضرت آقا خطاب به کنگره حج و قرائت در سرزمین وحی و برای حاجیان مسلمان از سراسر دنیا، نشان از عزم انقلاب اسلامی برای ایجاد تمدن‌سازی بزرگ اسلامی داشته است.

تحقق تمدن نیاز به بازشناسی مفهوم و درون‌مایه‌ی آن دارد و این در منظومه فکری ایشان بنای به نگرش تفسیری جامعه‌ساز، که خاص ایشان است، دایره‌ای وسیع دارد اما در این نوشتار به بخشی از آن، اشاره خواهد شد.

## ۲-۱. تعریف و طرح تمدن نوین اسلامی در پیشرفت:

رهبری معظم انقلاب ضمن بیان تعریفی ایجابی و سلبی از تمدن (بدون تعریف بما هو هو) مستقیماً در تعریف تمدن، به تعریف تمدن اسلامی پرداخته‌اند و تمدن اسلامی را تمدنی دارای شاخصه‌های ایمان، علم، اخلاق والا و مجاهدت مداوم دانسته و نقطه رهایی از جهان‌بینی مادی و ظالمانه و اخلاق به لجن‌کشیده می‌دانند، که ارکان تمدن امروزی غربند (در دیدار کارگزاران نظام، ۱۳۹۲/۲/۹ ش) پیشرفت را در حرکت، در راه بودن و صیوریت (گشتن، شدن) می‌دانند (دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۷۷/۲/۲ ش) چنان‌چه قرآن کریم اولاً بر موضوع سعی و تلاش «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم / ۳۹) که حرکت‌ساز است، سخن می‌گوید که اصل مهم برای ایجاد تحولات تمدن‌ساز خواهد بود.

از جایی که انسان ظرفیت‌های بالایی دارد و انتهای جز به اراده خدا ندارد لذا پیشرفت، که دارای ابعادی چندگانه است معانی مختلفی پیدا می‌کند، مثلاً غرب، پیشرفت را در بُعد مادی می‌داند چرا که محور دید او، اومانیسیم و انسان‌گرایی مبتنی بر رد جهان پس از مرگ و تجرد روح است اما ایشان پیشرفت در مفهوم اسلامی را پیشرفت چند بُعدی و همه‌جانبه دانسته و از آن به‌عنوان فتح باب نظریه‌ای به‌نام (تمدن نوین اسلامی) که مصداق عینی و مصداقی بر مفهوم پیشرفت است، یاد می‌کنند.

از طرف ایشان این پیشرفت همه‌جانبه که همان تمدن نوین اسلامی است، دارای دو بخش سازنده معرفی شده است:

## الف. ابزار، وسیله و یا بخش سخت‌افزار تمدن

همان پیشرفت در علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ (دیدار با جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳ ش) ایشان این بخش را مقدمه، وسیله و جاذبه تمدن‌ساز می‌دانند که اگر اتفاق افتاد، ریل‌گذاری صدور و مقبولیت تمدن، مورد توجه عموم قرار خواهد گرفت.

مثلاً در تعبیری درباره علم، اشارتی به حدیث «العلم سلطان» (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۲۰ ص ۳۱۹) می‌کردند و از نقش بسیار بالای آن بر اقتدار و قدرت‌سازی تأکید فرمودند که به تبع، این اقتدار و قدرت‌سازی بر استمرار و حیات تمدن‌ها الزامی است.

### ب: متن اصلی بخش نرم‌افزاری

متن و سبک زندگی شامل:

«مسئله‌ی خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشنیزی، تفریحات، مسئله‌ی خط، مسئله‌ی زبان، مسئله‌ی کسب‌وکار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مرئوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه» (در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۷۷/۲/۲)

اولاً: رهبری معظم انقلاب اسلامی این متن اصلی و نرم‌افزاری را بخشی از دایره‌ی عقل معاش (قوه‌ی تدبیر زندگانی) نام می‌برند و این شبهه اندیشه‌ای را رفع می‌کنند که برخی عقل معاش را صرفاً محدود در پول درآوردن و خرج کردن می‌بینند، ولی نگاه اسلامی متفاوت است.

ثانیاً: یادآور می‌شوند پیشرفت در بخش سخت‌افزار و ابزار مقدمه‌ای برای پیشرفت در اصل قضیه، یعنی پیشرفت نرم‌افزاری است که ختم به سعادت و امنیت و آرامش شود والا در غرب که قدرت نظامی و علمی و ثروت هست اما «در آن‌جا افسردگی هست، ناامیدی هست، از درون به هم ریختن هست، عدم امنیت انسان‌ها در اجتماع و در خانواده هست، بی‌هدفی و

پوچی هست» (در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۷۷/۲/۲ ش) پس در نگاه تمدن نوین اسلامی محور و اصل پیشرفت، پیشرفت در متن اصلی و نرم‌افزاری است و اصلاً وجود بخش سخت‌افزاری، برای رسیدن و تأمین بخش نرم‌افزاری تمدن‌هاست. ثالثاً: از دید ایشان بخش اصلی تمدن‌ساز، توجه به متن اصلی و فرهنگ زندگی است و بن‌مایه‌های تحقق این حکمرانی و فرهنگ در اسلام، خردورزی، اخلاق و حقوق معرفی شده است.

### ۳. ارکان تمدن نوین اسلامی

هدف نهایی را باید «امت واحده‌ی اسلامی» و «ایجاد تمدن نوین اسلامی» بر پایه‌ی دین، عقلانیت، علم و اخلاق قرار داد که «در آن علم همراه با اخلاق، مادیات همراه با معنویت و دین و قدرت سیاسی همراه با عدالت است» (در دیدار اساتید حوزه علمیه قم ۱۳۷۹/۷/۱۴ ش) که این ارکان، مدلی از برترین تمدن بشریت را ارائه می‌کند.

#### ۳-۱. دین:

بنیادی‌ترین اصل در تمدن‌سازی، دین است و دینی، برترین تمدن را ارائه خواهد کرد که جامع‌ترین باشد.

بنای بر «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران / ۱۹) دین اسلام نازل شده از طرف خداوند حکیم، انسان را برای کمال نهایی و سعادت جاودانه آفریده است و نشان بر حقانیت آن اینک، باید تمامی لوازم و وسایل رسیدن به این سعادت را در اختیارش قرار دهد. لذا دین اسلام، دین جامع است چنانچه رهبری معظم انقلاب درباره اهداف بعثت نبی مکرم اسلام می‌فرمایند: «بعثت نبی مکرم اسلام در واقع دعوت مردم به تربیت عقلانی و تربیت اخلاقی و تربیت قانونی بود. این‌ها چیزهایی است که زندگی آسوده و رو به تکامل انسان به آن‌ها نیازمنداست» و اینکه ایشان بزرگ‌ترین مظاهر شرک در عصر حاضر را تفکیک دنیا از آخرت، زندگی مادی از عبادت و دین از سیاست (سکولاریسم) می‌دانند چنانکه اشاره شد، تمدن برتر تمدن جامع، دارای مبانی و برنامه بر دین و دنیا است. (در سالروز عید سعید مبعث ۱۳۸۸/۴/۲۹).

#### ۳-۲. عقلانیت:

ایشان عقل و عقلانیت را اولین و مهم‌ترین مسئله دانسته و بیان می‌دارند در بعثت پیامبر،



اولاً مسئله عقل مطرح شده است و اولین کار ایشان به فعلیت رساندن عقل در جامعه بوده است چنانچه مولای ما امیرالمؤمنین فرمودند: «وَيُثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱) و هم‌چنین عقل را معیار و ملاک تشکیل مدینه فاضله و امت واحد اسلامی و تمدن بزرگ اسلامی می‌دانند و لذاست که از مسئولیت‌های اولیه نظام اسلامی را تربیت عقلانی و بر شوراندن قوه تفکر می‌دانند (در سالروز عید سعید مبعث ۱۳۸۸/۴/۲۹) و البته این عقل در چند حوزه نقش‌آفرینی بی‌بدیل دارد از جمله: در حوزه معرفت عقلانی پاسخ به سوالات بنیادین (امام خمینی ۱۳۷۲، ص ۱۲۷) در حوزه اخلاق عقلانی عمل انسان را در مسیر رسیدن به غایت (هدف) الهی مطابق اخلاق حسنه تنظیم می‌کند (امام خمینی ۱۳۷۷، ص ۶) و هم در سطح ابزاری مسئولیت‌آبادانی دنیا را داراست (در سالروز عید سعید مبعث ۱۳۸۸/۴/۲۹).

### ۳-۳. علم:

از دید ایشان چراغ راه تمدن اسلامی «مجاهده علمی» است و قوی شدن را بنابر شرحی از نهج‌البلاغه شریف «أَلْعِلْمُ سُلْطَانٌ» (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸ق، ج ۲۰ ص ۳۱۹) سلطه‌آور دانسته و جامعه صاحب علم را قدرتمند خواهد کرد و این علم درون‌مایه و سخت‌افزاری برای تمدن نوین اسلامی خواهد بود و البته درباره علم تمدن‌ساز توصیه‌هایی مؤکد دارند اول اینکه این هدف‌گیری علم باید بعد فراگیری علوم، به سمت تولیدکنندگی پیش‌رفته (بیانات ۱۳۷۹/۱۲/۹ ش) و دوم اینکه این علم باید با معنویت گره بخورد والا خسارت‌های جبران‌ناپذیری رخ خواهد داد (بیانات ۱۳۷۲/۱/۳۱ ش) ایشان در تشریح رابطه علم و ایمان می‌فرمایند «ما در تمدن اسلامی و در نظام مقدس جمهوری اسلامی که به سمت آن تمدن حرکت می‌کند، این را هدف گرفته‌ایم که دانش را همراه با معنویت پیش ببریم. ما می‌خواهیم علم با اخلاق پیش برود» (بیانات ۱۳۷۶/۶/۱۶ ش) چنانچه در دنیای امروز شاهد خسارت‌های پیشرفت علم مادی منهای معنویت و اخلاق هستیم که چگونه علم وسیله استثمار و تسلط بر مظلومین در عالم شده است.

### ۳-۴. اخلاق

نظر به تأکید علم توأم با اخلاق، نقش اخلاق تأکیدی چند وجهی داشته و از اهمیتی خاص در تمدن‌سازی برخوردار است. ایشان در تشبیهی جالب معتقدند اخلاق مانند هوای لطیفی

است که اگر در جامعه بشری وجود داشت انسان‌ها می‌توانند با تنفس آن زندگی سالمی داشته باشند شاید انسان بدون آب و غذا چند روزی دوام بیاورد اما بی‌هوا بیش از چند دقیقه دوام نمی‌آورد و این نشان‌دهنده نقش حیاتی اخلاق در تمدن‌سازی است و ایشان نبود اخلاق را منجر به زندگی سخت و تنگی فضا دانسته و فاجعه‌آمیز بیان می‌کنند (بیانات مقام معظم رهبری: ۱۳۸۸/۴/۲۹ ش)

#### ۴. طرح تمدن نوین اسلامی در تقابل صریح با تمدن مادی غرب است

تقابل تمدنی اسلام ناب با عنوان تمدن نوین اسلامی و با نگاه توحید ناب و انسان‌محوری اسلامی به معنی تکریم و شرافت انسان ایمانی «أَلْفَدَ كَرَمًا بَنَى آدَمَ» (اسراء / ۷۰) و با شاخصه‌ی تقوای برتری «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ» (حجرات / ۱۳) در برابر تمدن پوچ، منحط و فرهنگ‌سوز مادی غرب، برجسته می‌نماید و البته این تمدن نوین اسلامی داعیه‌ی فتح قلم جهان برای «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (توبه / ۳۳) دارد و هدفی والاتر از صرف تقابل با یک تمدن پوچ را دارد اما در تشبیهی تحلیلی و وام‌گرفته شده از تعالیم اخلاقی اسلامی، از جایی که تخلیه (تهی کردن، خالی کردن) بر تخلیه (زیور بر نهادن و آراستن) مقدم است، می‌توان گفت با تخلیه، تمدن مادی غرب را کنارزده و با تخلیه می‌توان تمدن نوین اسلامی را مطرح‌نموده و با تجلیه (تهذیب ظاهر از اوامر نواهی)، خود و عالم را آراسته به ظاهر و تجلیات عملی تمدن نوین اسلامی کرد و به تعبیری دیگری وام‌گرفته شده از شعار اساسی انقلاب دینی «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (صافات / ۳۵)، می‌توان گفت، نفسی طواغیت در عالم، مقدمه‌ای بر اثبات توحید ناب است و طلیعه‌ی تمدن نوین اسلامی با پیروزی انقلاب اسلامی در اوج قدرت مادی‌گری غرب از معجزات خدای تبارک و تعالی و از شواهد در راه بودن وعده پیروزی حق بر باطل و وعده‌ی بازسازی امت قرآنی و تمدن نوین بنابر آیت شریفه‌ی «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور / ۵۵) خواهد بود ان‌شالله (پیام به کنگره عظیم حج ۱۳۸۷/۹/۱۷)

ایشان اصرار دارند اولاً همگان بدانند که مسئولیت ایجاد تمدن اسلامی نوین بر دوش

آن‌هاست؛ و ثانیاً یکی از حدود و ثغور این‌کار، مواجهه‌ی با تمدن غرب است، به‌نحوی که تقلید از آن انجام نگیرد (در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۷۷/۲/۲)

## ۵. الزامات تمدن نوین اسلامی

### وجود مکتب و ایدئولوژی تمدن‌ساز

ایشان معتقدند سبک زندگی و رفتار اجتماعی ما تابع تفسیر ما از زندگی است و این ایمان و اعتقاد است که نوع نگرش و جهان‌بینی ما را تشکیل می‌دهد «ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد» و حال می‌خواهد این ایمان به کمونیسم یا فاشیسم، لیبرالیسم یا ایمان به توحید ناب در اسلام باشد.

دشمن تحت پروژه‌ای به‌نام «ایدئولوژی‌زدایی» در حال گرفتن ایمان از انسان ایمانی‌داعیه‌دار تمدن‌سازی است که در این صورت تمدن اسلامی ناتوان خواهد شد و مثلاً مغالطاتی (به غلط انداختن کسی) مطرح می‌کنند که ایدئولوژی نمی‌تواند تمدن‌ساز باشد! اما «هیچ ملت‌ساز داعیه‌ی تمدن‌سازی دارد، بدون ایدئولوژی نمی‌تواند حرکت کند و تا امروز حرکت نکرده است» (در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۷۷/۲/۲) و نیرنگ و توطئه این‌گونه اظهارات از طرف دشمن قابل نقض است، آن‌هم زمانی که همین تمدن مادی غرب هم مبتنی بر یک ایدئولوژی شروع شد چنان‌چه مثلاً گفتند ما کمونیسم هستیم و «معتقد به اقتصاد سرمایه‌داری» که این خود نوعی ایدئولوژی‌داری محسوب می‌شد. و دیگر اینکه می‌فرمایند «با پیدایش تمدن اسلامی همه‌چیز اروپا در مقابل آن رنگ باخت زیرا جوهره این تمدن بزرگ از مکتب اسلام بود» (در دیدار با فرماندهان سپاه ۱۳۷۳/۶/۲۹) ایشان معتقدند، ممکن است جامعه‌ای بدون آرمان و مکتب به ثروت برسد که مانند حیوان سیر و قدرتمندی خواهد بود، اما اسلام این را نمی‌خواهد اسلام طرفدار انسانی است که هم برخوردار، هم قدرتمند، و هم عبد و بنده و شاکر باشد و این است آرمان تمدن‌سازی نوین اسلامی که در پی آن در حرکت است.

البته شرط بهره از قرآن ایدئولوژی‌ساز، داشتن ایمان به خدا رسول و آموزه‌های آن است که قرآن می‌فرماید «هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (اعراف / ۲۰۳) «وَ تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (یوسف / ۱۱۱)

## ۶. مخاطب مأموریت تمدن‌سازی بزرگ اسلامی

رهبری معظم انقلاب در زمان‌های گوناگون این مأموریت بزرگ را یادآوری نموده و اولاً امت حزب‌الله و همه مردم انقلابی را مخاطب قرار داده‌اند اما تکیه بر جوانان به‌عنوان مجری این مأموریت غایی است، و چشم امیدشان بر این قشر است چنان‌چه پرچمدار تحولات اساسی از صدر اسلام تا انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، جوانان امت بوده‌اند.

انقلابی که امتداد انقلاب پیامبر مکرم اسلام باشد همان پیامبری که رهبری می‌فرمایند از وظایف ایشان «اولاً ارائه یک اصول انقلابی و ایجاد انقلاب بر مبنای این اصول و ثانیاً ساختن و بنیان‌گذاری یک اجتماع است» (آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، ۱۳۹۸، ش، ص ۶۷) این نظریه‌ای عمیق در تحول‌گرایی انقلابی و بنیان‌گذاری‌های تشکیلاتی در جبهه انقلاب محسوب می‌شود که در جای خود نیازمند بررسی مجزا است و از فرصت این نوشتار خارج است.

پیامبری که مراحل بنیان‌سازی جامعه را با تکیه بر جوانان، به‌عنوان نیروی قدرتمند و توانمند «ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفِ قُوَّةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ» (روم / ۵۴) انجام داده و پیامبر خاتمی که اسوه‌ی حسنه بر عالمیان و آیندگان است، انقلاب خود را با جوانان پایه‌ریزی نموده و با «اوصیکم بالشُّبَّانِ خَيْرًا فَإِنَّهُمْ أَرْقُ أَفْنِدَةٌ إِنَّ اللَّهَ بَعَثَنِي بِشِيرَا وَ نَذِيرًا فَحَالَفَنِي الشُّبَّانُ وَ خَالَفَنِي الشُّيُوخُ، ثُمَّ قَرَأَ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَكَسَتْ قُلُوبُهُمْ» (قمی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۷۶) سفارش بر جوانان نموده و پی‌ریزی بنای بنیان‌سازی جامعه توحیدی را بر دوش جوانان گذاشته و همان‌گونه است که امامین انقلاب اسلامی برای انقلاب در امتداد انقلابیت اسلام ناب با تأسی از نبی مکرم اسلام و سیره ائمه معصومین، از این عامل به‌عنوان «پیشران و موتور محرک»، استفاده نموده‌اند که از جمله شواهد آن طرح تفصیلی نظریه‌ی تمدن‌نویین اسلامی در بین جوانان خراسان شمالی در سال ۱۳۹۱ که اجمال آن به‌عنوان محور این نوشتار، بوده و هم‌چنین کلید واژه «جوان» که در منظومه فکری رهبری معظم انقلاب از گستردگی بی‌نظیری برخوردار است چنان‌چه فقط در بیانیه فوق راهبردی گام دوم انقلاب، رهبری معظم انقلاب اسلامی، نزدیک به ۴۰ بار از واژه جوان (مراد رهبری از جوان، افراد حدوداً زیر ۴۰ سال است) استفاده نموده‌اند و از افتخارات و عوامل پیروزی این انقلاب احیاگر را، این می‌دانند که «... جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه‌ی مدیریت کرد» (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب) و

مخاطب اصلی خود را در ابلاغ رسالت‌های بیانیه، «جوانان» می‌دانند و هم‌چنین از آن مهم‌تر، سپردن بار بزرگ تمدن‌سازی نوین اسلامی بر دوش جوان مؤمن انقلابی است جایی که خطاب به جوانان فرمودند:

«دهه‌های آینده دهه‌های شما است و شما باید کارآموده و پُرانگیزه از انقلاب خود حراست کنید و آن را هرچه بیشتر به آرمان بزرگش که ایجاد تمدن نوین اسلامی و آمادگی برای طلوع خورشید ولایت عظمی ارواحنا فداه است، نزدیک کنید» (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب)

و رضایت بر کمتر از تحقق آن را خلاف تفکر انقلاب اسلامی می‌دانند و می‌فرمایند «این هدف نهائی نمی‌تواند چیزی کمتر از (ایجاد تمدن درخشان اسلامی) باشد» (اجلاس علما و بیداری اسلامی ۱۳۹۲/۲/۹)

و نتیجه‌ی تحلیلی از این موضوع اینکه، بار بزرگ انقلاب‌سازی‌های در مکاتب الهی اسلام بر دوش جوانان بوده و این تمدن نوین اسلامی نیرویی «قوی» و «پیشران» برای حرکت سریع و پرشتاب نیاز دارد که موتور پیشران حرکت به سوی تمدن اسلامی را «جوان» تأمین خواهد نمود و البته که طبق منظومه فکری رهبری، به معنای کنار زدن با تجربه‌ها و پیشکسوتان نبوده چنان‌که جوان‌نگری و جوان‌گرایی و عمل انقلابی را در سردار دل‌ها شهید حاج قاسم سلیمانی ستوده‌اند و امت اسلامی را بر مکتب سلیمانی توصیه فرمودند.

در حاکمیت تمدن‌ساز انقلاب‌سازی باید محیط کارآزمایی و تجربه‌اندوزی جوان مؤمن انقلاب زیر نظر و هدایت‌های تجربه‌داران انقلابی به‌عنوان یک شبکه ایجاد شود و اگر از این زنجیره‌ی نیروسازی تمدنی غفلت شود در آینده‌ای نه‌چندان دور جبران‌ناپذیر خواهد شد و انقلاب اسلامی از هدف غائی خود عقب خواهد ماند.

#### ۷. اندیشه حضرت آیت‌الله جوادی آملی درباره زوایایی از تمدن نوین اسلامی

حضرت آیت‌الله جوادی آملی از برجسته‌ترین مفسران قرآن کریم در عصر حاضر است و در علوم مختلف دارای علم، صاحب‌نظر و منظومه فکری ایشان مانند نخ‌ی از تسیح جمع علوم عقلی، فلسفی و منطقی است که این ظرفیت و زمینه را دارد که در مبانی تأسیس «تمدن اسلامی» تأثیرگذار باشد.

### ۸. طرح تمدن نوین اسلامی در پیشرفت

ایشان به عنوان مفسری برجسته در جهان اسلام نگاه تمدنی وسیعی دارند و در این نوشتار قصد پرداختن به بخشی از آن را داریم.

حضرت آیت‌الله جوادی آملی معتقدند اگر رشد و پیشرفت، به صورت پایدار باشد متضمن ایجاد یک تمدن خواهد بود و رشد مدام در ابزار و روابط مادی و معنوی و بنیان‌های اقتصادی، اجتماعی به صورت توأمان است و در انسان تحت آن محیط به کمال می‌رسد (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ش، ص ۲۱۳)

و معتقدند بهترین تمدن طبق وعده قرآن کریم تمدن اسلامی است که با فرهنگ عدل و عقل پیش می‌رود و هیچ امتی و جامعه‌ای مثل این‌ها نخواهد بود پس امتش «خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» (بینه/ ۷) و قرآنش «كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا» (توبه/ ۴۰) شده و در بخش اجرا قرآن و ره‌آورد عدل قرآن یعنی حدیث و روایات اهل بیت: «لِيُظَهَّرَ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (توبه/ ۳۳)، «وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (همان)، «وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (همان)، «وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا» (رعد/ ۴۳) می‌شود و هیچ گروهی به آن نمی‌رسد و این از مختصات دین اسلامی است.

ایشان هم هدف تمدن اسلامی را طبق قرآن کریم برتری و غلبه بر همه ادیان و مکاتب می‌دانند.

### ۸-۱. تبیین تمدن اسلامی از مشترکات بین انسان و فرشتگان:

معظم‌له تبیین تمدن اسلامی را از سنخ تبیین مشترکاتی بین انسان و فرشتگان دانسته و فرمودند:

«انسان و فرشته در بسیاری از مسائل شرکت دارند که برجسته‌ترین آن‌ها سه اصل معروف (جهان‌دانی و جهان‌داری و جهان‌آرایی) است، فرشتگان به تعلیم الهی جهان را خوب می‌شناسند، در صیانت جهان جزو مدبّرات امرند، در آرایش جهان جزو تزئین‌کنندگان صحنه گیتی و ماورای طبیعت هستند. انسان از آن جهت که با فرشتگان در آن اصول مشترک است یک جهان‌دان خوبی است، یک جهان‌دار خوبی است، یک جهان‌آرای خوبی است» (پیام معظم‌له به دومین همایش تمدن نوین اسلامی، مهر ۱۳۹۴ ش).

## ۸-۲. حیات معنوی و مادی تمدن اسلامی:

### الف) حیات علمی و معنوی:

معظم‌له بنا بر حدیثی از امام صادق (ع)، بیان می‌دارند تمدن اسلامی مرهون سه عنصر اصیل علمی و دینی است که هیچ ملت متمدنی نیست که بی‌نیاز از این سه عنصر باشد «فَقِيهِ عَالِمٍ وَرَعٍ وَ أَمِيرٍ خَيْرٍ مُطَاعٍ وَ طَيِّبٍ بَصِيرٍ ثَقَّةً» (مجلسی محمدباقر، ۱۴۰۴ ق، ج ۷۸، ص ۲۳۵) اول داشتن حوزه‌های علمی و دانشگاه‌های علمی که مردان متفکر متفقه و ارسته تربیت می‌کند دوم پزشکان حاذق، امین و با تجربه و موثق تربیت کند که بیماری‌های ظاهری را تشخیص بدهند و سوم داشتن نیروی نظامی و انتظامی که حریم کشور را حفظ کند، نه به بیگانه تجاوز کند، نه اجازه دهد بیگانه به حریم کشور او تجاوز کند» (پیام معظم‌له به دومین همایش تمدن نوین اسلامی، مهر ۱۳۹۴ ش)

این سه نشانه از جامعه متمدن است که نه به کسی تجاوز می‌کند و نه اجازه تجاوز می‌دهد و جامعه‌ای که جهل علمی را علم و جهالت عملی را با اخلاق از بین خواهد برد. این بخش شباهتی به تعریف آیت‌الله خامنه‌ای درباره متن اصلی تمدن نوین اسلامی یعنی بخش متن اصلی و نرم‌افزاری یک تمدن اسلامی دارد.

### ب) حیات ظاهری:

در ادامه هم معظم‌له بنا بر روایتی از امام صادق علیه السلام سه عنصر یک جامعه متمدن را در حیات ظاهری چنین بیان می‌فرماید «لَا تَطِيبُ السُّكْنَى إِلَّا بِثَلَاثِ الْهَوَاءِ الطَّيِّبِ وَ الْمَاءِ الْغَزِيرِ الْعَذْبِ وَ الْأَرْضِ الْخَوَّارَةِ» (حرّانی، ۱۲۹۷ ق، ص ۳۲۰) یعنی زندگی چه در شهر، چه در روستا وقتی گواراست که با این اصول سه‌گانه همراه باشد: یکی داشتن هوای سالم و محیط سالم و منزه از آلودگی، دوم داشتن سرزمین حاصل‌خیز، سوم داشتن آب فراوان که جامعه را از نیازمندی به غیر برهاند.

این بخش هم شباهتی به تعریف آیت‌الله خامنه‌ای درباره بخش ابزاری تمدن نوین اسلامی یعنی بخش ابزاری و سخت‌افزاری یک تمدن اسلامی دارد.

## ۹. ارکان تمدن نوین اسلامی

بررسی ارکان تمدن اسلامی در نظر حضرت آیت‌الله جوادی آملی دارای شباهتی در موضوعات و تفاوتی در تبیین است.

### الف) دین:

همان بنیانی‌ترین اصل در تمدن‌سازی است و قائلند که «دین مجموعه عقاید، اخلاق و قوانین و مقرراتی است که برای اداره فرد و جامعه‌ی انسانی و پرورش انسان‌ها از طریق وحی و عقل در اختیار آنان قرار دارد» (جوادی آملی، ۱۳۹۷ ش، ص ۲۷) و برای تمدن‌سازی نیازمند این دین جامع‌نگر هستیم.

### ب) عقلانیت:

«این عقل یک قوه‌ای است در درون انسان که کشف می‌شود. همان‌طوری که چشم در قلمرو بدن است می‌بیند، این نیرو در قلمرو جان است، می‌فهمد و کشف می‌کند» نظر به بیانات ایشان، عقلانیت و حیانی، به‌عنوان درون‌مایه‌ی تمدن اسلامی در برابر کوری مادی‌گرایی به‌عنوان درون‌مایه‌ی تمدن غرب قرار داده است قرآن کسی را که این نیرو را ندارد کور می‌داند چنان‌که علت کوری کافران و منافقان را همین از دست دادن قدرت تفکر می‌داند.

در درون انسان یک چراغ روشنی به‌نام قلب و عقل است اگر آن چراغ خاموش شد این انسان از نظر دل کور است که در سوره‌ی «حج» فرمود: «لَا تَعْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَعْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ» اگر نهران کسی کور بود دیگر حق تشخیص ندارد، اگر عقل نداشت کور است اگر عقل داشت می‌فهمد کلام‌الله چیست و کلام‌البشر چیست و فرق این دو کلام چیست؟ و اگر کسی نتوانست مانند یک کلامی سخن بگوید و عاجز بود؛ معلوم می‌شود آن کلام، کلام بشر نیست و کلام‌الله است، این‌ها را می‌فهمد. و اگر این راه‌های فهم برای او باز نبود این کور است (جوادی آملی، ذیل آیات ۲۳ و ۲۴ بقره) محصول عقلانیت و حیانی تغییر در جهان‌بینی و سیرگذر از مادی‌گری محض است. «اگر کسی عاقلانه وارد جهان‌بینی شد، اول خدمتی که می‌کند به خودش خدمت می‌کند» و اثر آنکه «ما که عاقلانه جهان را دیدیم فهمیدیم ابدی هستیم و هرگز نمی‌میریم... اگر خردمندانه و عاقلانه بفهمد که انسان مرگ را می‌میراند نه بمیرد، اگر ابزار می‌خواهد ابزار ابدی می‌طلبد» ایشان از زدودن جهل علمی مانع تمدن‌سازی و



رفع آن با علم حقیقی سخن گفته‌اند (پیام به دومین همایش تمدن نوین اسلامی، مهر ۱۳۹۴ ش) ایشان در شرح نامه‌ی ۷۸ نهج البلاغه فرمودند «اصرار اسلام این است که جامعه باید عاقل باشد و تعبیر لطیف رسول گرامی این است که فرمود: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ»، این «تاء» تائید نیست، بلکه تاء مبالغه است و دلیل این مبالغه آن است که اگر این علم و عقل و شعور نباشد، جامعه اگر یک رهبری مثل علی بن ابی طالب داشته باشد، باز هم شکست می‌خورد» (اثر ۲۲ جلدی در حال انتشار) و بیان مطلبی از مقدمه کلینی در اصول کافی که می‌فرماید: «قطب فرهنگی یک ملت عقل و حیانی آن‌هاست: «إِذْ كَانَ الْعَقْلُ هُوَ الْقُطْبُ الَّذِي عَلَيْهِ الْمَدَارُ وَ بِهِ يُحْتَجُّ وَ لَهُ الثَّوَابُ وَ عَلَيْهِ الْعِقَابُ» (کلینی، ۱۳۶۳ ق، مقدمه) حرف کلینی این است که قطب فرهنگی یک ملت فهم اوست، عقل اوست. «إِذْ كَانَ الْعَقْلُ هُوَ الْقُطْبُ الَّذِي عَلَيْهِ الْمَدَارُ» (همان) مدار فرهنگی یک ملت عقل آن ملت است. «إِذْ كَانَ الْعَقْلُ هُوَ الْقُطْبُ الَّذِي عَلَيْهِ الْمَدَارُ وَ بِهِ يُحْتَجُّ» (همان) تمام استدلال‌ها در محور عقل است، تمام ثواب‌ها در مدار عقل است و تمام عقاب‌ها در محور بی‌عقلی است.

### ج) علم:

در زمینه علم در بحث علم اسلامی و دانشگاه اسلامی، آیت‌الله جوادی آملی نظریه‌ای جالب توجه دارند و آن اینکه تمدن دانشگاه را تدین دانشگاه نامیده و با رد ادعای سکولاری (در این جا جدایی دین از علم) بودن علم، بیان می‌دارند تمام علوم دینی هستند از جایی که یا نقل خدا هستند یا فعل خداوند است و لذا بین دین و علم حقیقی تفاوت و جدایی وجود ندارد و در رد شبهه‌ای که می‌گوید اگر علم دینی شد و اگر خطایی کرد خطا به دین برمی‌گردد، معتقدند دین خطا نمی‌کند، بلکه امکان خطا از عالم است نه از دین. البته لازم به ذکر است که مراد ایشان از علم، علم حقیقی، مطابق با واقع است که نظریه‌ای که در دوره‌ای اثبات و در دوره‌ای رد شود.

ایشان معتقدند علم آمده از غرب، علم جدا شده از خلقت است و در دین این‌گونه نیست بلکه انسان با دو چراغ می‌نگرد یکی عقل (که راهنما و چراغ الهی است) و دیگری نقل (برآمده از دین به عنوان راه) و معتقدند علم اگر علم باشد و نه وهم، و نه خیال و نه فرضیه، غیراسلامی نمی‌شود بلکه در تشبیهی جالب می‌فرمایند «علمی است که کتاب اوراق الهی را

ورق می‌زند» لذا ایشان معتقدند، اضافه‌ی اسلامی بر علم، اضافه‌ای تقییدی نیست بلکه توصیفی بوده و بیان علم یا علوم اسلامی برای تمایز میان علوم اسلامی و غیراسلامی نبوده بلکه برای ذکرِ وصف لازم علم است چرا که علم غیراسلامی نداریم مگر که پندار، خیال و فرضی بیش نباشد.

از مهم‌ترین عوامل علم تمدن‌ساز در نگاه حضرت آیت‌الله جوادی آملی در دو قدم: قدم اول) یک. عنوان طبیعت از علوم برداشته و خلقت جایگزین شود که بررسی هر گونه‌ای، خلق خدا انگاشته شود. دو. مبدأ فاعلی خدا بر این خلقت محفوظ باشد و هر گونه‌ای مخلوق این فاعل باشد. سه. توجه داشتن به هدف خلقت که پرستش خدا و گسترش عدل است. چهار. محور بحث به دلایلی نقلی، مثل آیات و روایات باشد. پنج. از تأییدات و تحلیل‌های نقلی استمداد شود. شش. در هیچ موردی، مدعی کفایت عقل نباشیم. هفت. تفسیر هر جزئی از خلقت با در نظر گرفتن تفسیر جزو دیگر.

قدم دوم) کنار زدن منطق قارونی که دلیل جلب آن همه ثروت را، «إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي» (قصص / ۷۸) می‌دانست و سهمی بر خدا قائل نبود، در عرصه علم هم برخی با منطق قارونی همه را مرهون تلاش خود دیده و سهمی از معلم حقیقی عالم نمی‌بینند درحالی که عقل و حکمت، مواهبی الهی برای عالمیان هستند.

در بیانی معظم‌له جمع دو مفهوم عقلانیت و علم را عامل تمدن‌سازی نوین اسلامی می‌دانند:

«در خطاب خداوند به انسان می‌فرماید: «نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» (ص / ۷۲)، این ظرفیت را به انسان می‌دهد که به این مقام بالا دست پیدا کند و در سایه علم و عقلانیت، تمدن نوین ایجاد کند و ظرفیت‌های خود را شکوفا سازد»

#### د) اخلاق:

ایشان رفع جهالت عملی مانع تمدن‌سازی نوین اسلامی را به اخلاق‌داری توصیه می‌کنند (پیام به دومین همایش تمدن نوین اسلامی، مهر ۱۳۹۴ ش) و معتقدند پیشرفت علمی منهای اخلاق و دینداری مانند شمشیری به‌دست انسان دیوانه‌ای عالم را فنا و نابودی می‌کشاند. که با نظر آیت‌الله خامنه‌ای دارای تشابه در تبیین و تفاوت در تشبیه جهت افزایش غنا و تأکید بر

مطلب است.

## ۱۰. الزامات تمدن نوین اسلامی

### ۱-۱۰. مکتب و ایدئولوژی تمدن‌ساز:

ایشان معتقدند نه تنها هر تمدنی نیاز به مکتب و ایدئولوژی دارد بلکه «این معارف است که تمدن‌سازی می‌کند» (دیدار مسئولین کمیسیون دومین هفته تمدن نوین اسلامی، ۱۳۹۵ ش) و خودبه‌خود شبهه مغالطه‌گران در ادعای باطلی که سعی بر القای «ایدئولوژی نمی‌تواند تمدن‌ساز باشد» برطرف شده و ایشان مدعی هستند که اصلاً مبنای هر تمدنی در عالم، تمدن و حیانی و الهی بوده است «تمدن یونان ریشه در پیام توحیدی حضرت ابراهیم دارد و دیگر تمدن‌های بشری نیز به‌همین صورت، ریشه خود را از معارف دینی گرفته‌اند» چنان‌که بشر در ابتدا، حتی نمی‌توانست چگونه مرده خود را دفن کند اما این آیین و حیانی بود که او را به‌وسیله کتاب و حکمت هدایت کرد. خدا انسان را دارای ظرفیت آفرید که با کمک انبیاء بتواند خود را تکمیل کنند پس انسان با ظرفیت مناسبی برای هدایت و ایجاد تمدن آفریده شده است و به حق می‌تواند متکفل انجام این مأموریت الهی باشد.

«تمدن اسلامی متوجه همه ارتباطات انسانی است چرا که ما تا پاسخ این سه پرسش را که «انسان چیست؟»، «جهان چیست؟» و «ارتباط انسان با جهان چگونه است؟» را ندانیم، نمی‌توانیم تمدنی داشته باشیم و تمدن‌سازی کنیم» و هم‌چنین معتقدند تنها اسلام ناب و حقیقی می‌تواند تمدن حقیقی نیز به‌وجود بیاورد (همان).

چنان‌که اشاره شد از نگاه دو مفسر حضرات آیات خامنه‌ای و جوادی آملی، عامل تمدن‌ها، پیشرفت‌های پایدار بوده و پیشرفت همه‌جانبه (در ابعاد نرم‌افزار و سخت‌افزار یا ظاهر و باطن) و رشد توأمان در امور مادی و معنوی و التفات در رسیدن به اوج کمال از ویژگی‌های تمدن اسلامی است و وجه مشترک در دو دید تمدنی، وجود دین است که پیوند ناگسستنی با تمدن دارد و صراحتاً باید گفت دین، مبنای تمدن را ارائه‌نموده و دین و اعتقاد حاصل از آن، تمدن‌سازی می‌کند. چنان‌چه این عبارت در کلام آیت‌الله خامنه‌ای با واژه‌های (مکتب)، (ایدئولوژی) و (ایمان) مطرح است.

در شواهد تاریخی این تمدن‌سازی دین در کلام شهید مطهری<sup>۲۷</sup> چنین آمده که می‌فرمایند:

«ملل بسیاری به اسلام گرویدند و در خدمت این دین در آمدند و در راه نشر و بسط تعالیم آن کوشیدند و با تشریک مساعی با یکدیگر تمدن عظیم و با شکوه به نام تمدن اسلامی به وجود آوردند» (مطهری، ۱۳۹۱، ش، ص ۱۹)

### ۱۱. طرح تمدن نوین اسلامی در تقابل صریح با تمدن مادی غرب

ایشان موافق با نظر آیت‌الله خامنه‌ای، با نظر به شعار محوری اسلام در قرآن کریم «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» (صافات / ۳۵) دین را اسلام دانسته، همان دینی که خداوند از ابتدا در مقابل کفر و الحاد ترسیم کرده است که هم ثابت است و هم باقی، بطلان تفکر تمدن مادی غرب را وجود دو غده، یکی انکار معاد و دیگری انکار تجرد روح دانسته‌اند و این تفکر که انسان را حیوانی ناطق دانسته که بعد مرگ تمام شده و دارای حساب و کتابی نمی‌دانند، محصول جنگ‌های جهانی اول و دوم و جنگ‌های نیابتی امروزه است (دیدار مسئولین کمیسیون دومین هفته تمدن نوین اسلامی، ۱۳۹۵، ش).

اما تفکر تمدنی اسلام محور، تقابل جدی با این تفکر دارد چرا که؛

«دین، اولین اقدامی که در حوزه تمدن‌سازی صورت داده، این است که انسان و جهان را تعریف نموده است؛ می‌فرماید انسان و جهان به ابدیت ختم می‌شوند و انسان آن‌قدر ظرفیت دارد که می‌تواند مظهر اسماء الهی باشد. دین می‌گوید انسان در مصاف با مرگ، مرگ را می‌میراند نه اینکه بمیرد، این آن تفکری است که می‌تواند تمدن ایجاد کند» (همان).

از جمله جلوه‌های عینی تحقق تمدن نوین اسلامی در نظر ایشان اینکه به جای کمک به فقرا بنابه فرمایش امیرالمؤمنین (ع) گردن زدن فقر است و این معارف است که توان تمدن‌سازی دارد (همان) که شرحی مفصل در باب ظهور اسلام اجتماعی و در صحنه دارد.

### ۱۲. مخاطب مأموریت تمدن نوین اسلامی

ایشان انسان را در نگاه اسلامی، دارای ظرفیت‌های فوق‌العاده و برتری‌بخش بر فرشته‌ها دانسته، و بنای به مسئولیت‌پذیری انسان، انسان و علما را مخاطب و مجری تمدن‌سازی بزرگ نامیده و می‌فرماید:

«خداوند وقتی به انسان، علماً و عملاً متمدن بودن را آموخت که به او فهماند، اولاً انسان موجودی ابدی است و ثانیاً در برابر همه گفتار و کردار خود مسئول است و باید پاسخگو

باشد. باور انسان به تعهدی که نسبت به خداوند دارد زمینه‌ساز حقیقی ایجاد تمدن است.» (دیدار مسئولین کمیسیون دومین هفته تمدن نوین اسلامی، ۱۳۹۵ ش)

لذا ایشان با عنایت به دو ویژگی برجسته در انسان از جمله ایمان و تعهد و مسئولیت‌پذیری، ایشان را زمینه‌ساز ایجاد تمدن می‌داند. هم‌چنین فرمودند:

«انسان این ظرفیت را دارد که در پرتو معارف اسلامی فرشته‌گونه تربیت شود و رفتار کند که نمونه این رفتار فرشته‌گونه را در دوران دفاع مقدس و پایبندی و عدم نقض قطعنامه بعد از آن دوران می‌توان مشاهده کرد، هم‌چنین سلوک رفتاری جانبازان به‌جای‌مانده از آن دوران که با همه مشقت‌ها، در همه‌حال باز هم شاکر خدا هستند، مصداق رفتار فرشته‌گونه است؛ و همین است که ملائکه نسبت به برخی از انسان‌ها خضوع دارند و پس از مرگ از آن‌ها استقبال و آن‌ها را مشایعت می‌کنند، این یاء «من روحی» که در خطاب خداوند به انسان می‌فرماید: «نفخت فیه من روحی»، این ظرفیت را به انسان می‌دهد که به این مقام بالا دست پیدا کند و در سایه علم و عقلانیت، تمدن نوین ایجاد کند و ظرفیت‌های خود را شکوفا سازد.» (همان).

### نتیجه‌گیری

تمدن نوین اسلامی مأموریت و آرمان اسلام ناب و انقلاب اسلامی برآمده از اسلام ناب است و تحقق آن مستلزم بازشناسی مفاهیم عمیق و دقیق آن در تعالیم این دین جامع و خاتم است. آنچه در این نوشتار از نظرها گذشت بررسی بخشی از زوایای تمدن اسلامی از جمله:

۱. طرح تمدن نوین اسلامی به‌عنوان پیشرفتی همه‌جانبه در ابزار یا سخت‌افزار و متن اصلی یا نرم‌افزار در نظر مقام معظم رهبری و حیات ظاهری و حیات علمی و معنوی در نظر آیت‌الله جوادی آملی معرفی شده است.
۲. به بررسی اجمالی ارکان چهارگانه تحقق تمدن اسلامی از جمله دین به‌عنوان دینی جامع، کامل و بنیانی‌ترین اصل در تمدن‌سازی، عقلانیت به‌عنوان معیار و ملاک تمدن‌سازی بزرگ، علم و مجاهده علمی به‌عنوان چراغ راه تمدن‌سازی، و اخلاق، نقشی حیاتی مانند هوا اشاره شد.
۳. از دید دو مفسر انقلابی، تمدن نوین اسلامی در تقابلی صریح با تمدن مادی غرب بوده چنان‌چه در طول تاریخ بشریت حق با باطل در تقابل بوده‌اند و خواهند بود.

۴. از الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی اشاره شد به وجود مکتب، ایدئولوژی و دین تمدن‌ساز، با این اضافه که آیت‌الله جوادی آملی معتقد بودند هر تمدنی در عالم از ادیان و حیاتی نشأت گرفته‌اند و آیت‌الله خامنه‌ای از الزامات قطعی احیای تمدن اسلامی را عدم تقلید از غرب و گفتمان‌سازی تمدن می‌دانند.
۵. آرمان و مأموریت اسلام ناب، انقلاب و نظام اسلامی تحقق تمدن نوین اسلامی است و چنانی که تنها تمدن‌ساز برتر عالم، اسلام ناب است و بس، چرا که دارای مبنا و درون‌مایه‌ی جامع و کامل است.
۶. مخاطب و مجری تمدن‌سازی هم انسان ایمانی رسیده به اشتراک با فرشتگان، ویژه جوان مؤمن انقلابی است و این تمدن‌سازی در راستای مقدمه‌ای برای ظهور ولایت عظمی (عج) است.

## منابع

- ابن ابی الحدید، عزالدین ابی حامد عبدالحمید بن هبه الله (۱۳۷۸ق)، شرح نهج البلاغه، بیروت، دار احیاء الکتب العربیه.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (۱۳۵۹)، مقدمه ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
- توین بی، آرنولد (۱۳۷۶م)، تاریخ تمدن، ترجمه دکتر یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۷۶)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷)، تفسیر تسنیم، قم، انتشارات اسراء.
- حرّانی، ابن شعبه (۱۲۹۷ق)، تُخَفُّ الْعُقُولُ فِيمَا جَاءَ مِنَ الْحِكْمِ وَالْمَوَاعِظُ مِنَ آلِ الرَّسُولِ، ترجمه محمدصادق حسن‌زاده، قم، انتشارات آل علی.
- حسینی عاملی، محسن امین (۱۴۲۱ق)، اعیان الشیعه، قم، دارالتعارف للمطبوعات.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۳)، طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن، چاپ چهارم، تهران، انتشارات صهبا.
- خامنه‌ای، سید علی (۱۳۹۸)، هم‌زمان حسین ۷، تهران، انقلاب اسلامی.
- خامنه‌ای، سید علی، بیانات، (برگرفته از سایت [www.khamenei.ir](http://www.khamenei.ir)).
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۲)، شرح چهل حدیث، تهران، مؤسسه و نشر آثار حضرت امام خمینی.
- خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸)، شرح حدیث جنود جهل و عقل، مؤسسه و نشر آثار حضرت امام خمینی.
- دورانت، ویل (۱۳۶۵م)، تاریخ تمدن، ترجمه اسماعیل دولتشاهی، تهران، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغت‌نامه دهخدا، تهران، انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

صدوق، محمدبن علی (۱۴۰۵ق)، کمال‌الدین و تمام‌النعمه، تحقیق، تصحیح و تعلیق: علی‌اکبر الغفاری، قم، جامعه مدرسین.

عمید، حسن (۱۳۷۱)، فرهنگ فارسی عمید، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.

فرزانه، محمدباقر، خیاط، علی و صفربور، هادی (۱۳۹۷)، تبیین عوامل ایجاد تمدن نوین اسلامی، پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، شماره ۳.

فوزی، یحیی، صنم‌زاده، محمودرضا (۱۳۹۱)، تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی، فصل‌نامه علمی و پژوهشی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ۹.

قرآن کریم

قمی، شیخ عباس (۱۳۷۴)، سفینه‌البحار و مدینه‌الحکم و الآثار، مشهد، آستان قدس رضوی.

کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق (۱۳۶۳)، الکافی، قم، دارالحدیث.

لوکاس، هنری استیون (۱۳۶۶م)، تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، مؤسسه کیهان.

مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار، بیروت، مؤسسه الوفاء.

مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

مصطفی‌پور، محمدرضا، جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۸۶)، انتظار بشر از دین، قم، انتشارات اسراء.

مطهری، مرتضی (۱۳۹۱)، خدمات متقابل اسلام و ایران، قم، انتشارات صدرا.

نهج‌البلاغه

ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۴)، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

هانتینگتون، ساموئل (بی‌تا)، نظریه برخورد تمدن‌ها، انتشارات وزارت امور خارجه.

- Amid, Hassan (1992), Amid Persian Culture, Tehran, Amirkabir Publishing House.
- Dehkhoda, Ali Akbar (1998), Dehkhoda Dictionary, Tehran, University of Tehran Press.
- Durant, Will (1986), History of Civilization, translated by Ismail Dolatshahi, Tehran, Scientific and Cultural Publishing Center.
- Farzaneh, Mohammad Baqir, Safarpour, Hadi (1397), Explaining the factors of creating a new Islamic civilization, Islamic Social Research, No. 3.
- Fawzi, Yahya; Sanamzadeh, Mahmoud Reza (2012), Islamic Civilization from the Viewpoint of Imam Khomeini, Scientific and Research Quarterly of the History of Islamic Culture and Civilization, No. 9.
- Harrani, Ibn Shu'bah (1297 AH), Tahhaf al-Aqool Fima Jaa min min al-Hakam wa al Mawa'iz min Al-Rasool, translated by Mohammad Sadegh Hassanzadeh, Qom, Al-Ali Publications.
- Hosseini Ameli, Mohsen Amin (1421 AH), Shiite nobles, Qom, Dar al-Ta'rif for publications.
- Huntington, Samuel (Beta), Theory of the Clash of Civilizations, State Department Press.
- Ibn Abi Al-Hadid, Izz al-Din Abi Hamid Abdul Hamid Ibn Hiba Allah (1378 AH), Sharh Nahj al-Balaghah, Beirut, Dar Al-Ahya Al-Kitab Al-Arabiya.
- Ibn Khaldun, Abdul Rahman (1359), Introduction of Ibn Khaldun, translated by Mohammad Parvin Gonabadi, Tehran, book publishing and translation company.

- Jafari, Mohammad Taghi (1997), translation and interpretation of Nahj al-Balaghah, Tehran, Islamic Culture Publishing Office.
- Javadi Amoli, Abdullah (1397 AH), Tafsir Tasnim, Qom, Esraa Publications.
- Khamenei, Ali (2014), Outline of Islamic Thought in the Quran, Fourth Edition, Tehran, Sehba Publications.
- Khomeini, Ruhollah (1993), Sharh Chehel Hadith, Tehran, Institute and Publication of the Works of Imam Khomeini.
- Khomeini, Ruhollah (1999) ,Sharh Hadith of the Soldiers of Ignorance and Wisdom, Institute and Publication of the Works of Imam Khomeini.
- Klini, Muhammad ibn Ya`qub ibn Ishaq (1363 AH), Al-Kafi, Qom, Dar al-Hadith.
- Lucas, Henriestion (1987), History of Civilization, translated by Abdolhossein Azarang, Tehran, Kayhan Institute.
- Majlisi, Mohammad Baqir (1403 AH), Bihar Al-Anwar Al-Jame'a Ledr Akhbar Al-Imam Al-Atharha, Beirut, Al-Wafa Institute.
- Mostafa Pour, Mohammad Reza; Javadi Amoli, Abdullah (2007), Human Expectation from Religion, Qom, Esraa Publications.
- Motahari, Morteza (2012), Mutual services between Islam and Iran, Qom, Sadra Publications.
- Mustafawi, Hasna (1368 AH), Research in the words of the Holy Quran, first edition, Tehran, Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Nahj al balagheh
- Qomi, Sheikh Abbas (1374 AH), Ship of the Sea and the City of Judgment and Works, Mashhad, Astan Quds Razavi.
- Saduq, Muhammad ibn Ali (1405 AH), Kamal al-Din and all blessings, research, correction and suspension: Ali Akbar al-Ghaffari, Qom, Teachers Association.
- The Holy Quran
- Twain B., Arnold (1997), History of Civilization, translated by Dr. Yaghoub Azhand, Tehran, Molly Publications.
- Velayati, Ali Akbar (2005), The Dynamics of Islamic and Iranian Culture and Civilization, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications.





## **An Attitude Towards the New Islamic Civilization from the Perspective of Ayatollah Khamenei, Dam Azza and Hazrat Ayatollah Javadi Amoli Damat Afazateh**

Mohammad Javad Heidari Khorasani\*, Javad Javan\*\*

The Islamic Revolution The extension of the Revolution of Pure Islam was a divine miracle in the contemporary century in which there was and will be hope for the establishment of divine sovereignty through honoring the oppressed in the world and the destruction of the oppressors. The ideal and the highest goal of this pure Islamic revolution is to create a new Islamic civilization for the rising of the sun of the great province of Wahna Fada, which was repeated by its leader, the Supreme Leader of the Islamic Revolution, on the eve of the second step of the revolution. Achieving the mission of Islamic civilization requires recognizing the concepts, stages and ways to achieve it, and this requires scientific and study efforts, and how much better to explain and recognize the concepts of this mission from the Islamic authority, i.e. the Qur'an and the expression of revolutionary commentators. This article, while reviewing the semantics, examines the angles of Islamic civilization from the perspective of Ayatollah Khamenei and Grand Ayatollah Javadi Amoli, who will introduce civilization as a comprehensive development and civilization in contrast to the material civilization of the West and examine the pillars of Islamic civilization. The present research is analytical and descriptive with the method of collecting library and documentary information.

**Keywords:** *New Islamic Civilization, Ayatollah Khamenei, Ayatollah Javadi Amoli, Islamic Revolution, Progress.*

---

\* Corresponding Author: Faculty of Theology and Islamic Studies, Qom University, Qom, Iran

\*\* MA Student in Quran Interpretation and Sciences, Qom University, Qom, Iran